

## متن پرسش

با عرض سلام یک سوال داشتم که تا به حال جواب روشن و قانع کننده ای برایش نیافتم ممنون می شوم که به سوالم جواب بدهید: قابل عرض این که با قبول پیشفرض "وحدت شخصیه ی وجود" این شبهه مطرح میشود با توجه به این که عین ثابتۀ انسان صورت وجودی او در علم نامحدود خداوند قبل از ایجاد است و وجود انسان بعد از ایجاد نیز همان تجلی عین وجود در عین ثابتۀ انسانی است از طرفی بنیان بحث اختیار این است که انسان اراده دارد و می تواند اراده ایجاد کند و انتخاب مختارانه کند ولی این بنیان سخت متزلزل می نماید چرا که اراده نیز وجود است و همان تجلی عین وجود در قالب اراده است و بالاتر "هویت انسانی" نیز تجلی عین وجود در عین ثابتۀ انسانی است و این مطلبی فرای هویت تعلقی ملاصدراست پس اراده هم از عین وجود نشات میگیرد نه از انسان چرا که انسان مستقل حتی به نوع هویت تعلقی توهمی بیش نیست! وانگهی خطاب با کیست و مخاطب کدام است؟ که پاداش می دهد . به که پاداش می دهد اصلا که در میان است؟ خواستم شما را به فضای فکری شبهه ام که در معنی "اختیار انسان" بود منتقل کنم، ممنون می شوم که در فضای فکری وحدت شخصی وجود به من پاسخ بگویید و مرا به جهان بینی "تشکیک وجود" و با نظام "علی معلولی" ابن سینایی و یا مباحث "کلامی و اخلاقی و فقهی" حواله نکنید. با تشکر فراوان که در جهت اصلاح افکار قدم برمیدارید

## متن پاسخ

سلام علیکم : باسمه تعالی خدا را شکر می کنم از توجه جنابعالی به موضوعی این چنین دقیق. همان طور که متوجه اید «عین ثابتۀ»ی هر چیز، از جمله عین ثابتۀ انسان به تعبیر شیخ اکبر محی الدین: «مَا شَمَّتْ رَائِحَةَ الْوُجُودِ» هیچ بویی از وجود به معنی مخلوقیت نبرده و سراسر حقیقتی است در علم خدا، پس موضوع هویت تعلقی در آن موطن برای عین ثابتۀ انسان منتفی است، بلکه علم فعلی خدا - و نه علم انفعالی □ نظر به جنبه ی امکانی این موجود در علم خود دارد و می یابد که آن اقتضای ظهور دارد و طلب ظهور می کند و لذا خدای «سمیع خبیر» که آگاهی از نحوه های وجودی چنین معلومی در علم خود دارد، و سمیع است و طلب ظهور چنین معلومی را بی جواب نمی گذارد، همان طور که آن معلوم در نزد خدا اقتضای وجودی دارد ، خدا اراده می کند آن را در موطنی که موطن نمایش آینه ی علم خدا است، ظاهر کند که گفت: نظری کرد ببیند به جهان قامت خویش خیمه در مزرعه ی آب و گل آدم زد حال خداوند در علم خود وقتی نظر به جنبه ی امکانی معلومی به نام انسان کرد، همان طور که

جنبه‌ی امکانی آن بود، آن را خلق فرمود و آن انسانی است با تمام اقتضائات انسانی. یعنی جنبه‌ی عین ثابت‌هی امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» طلب ظهور کرد با تمام جنبه‌هایش، که از جمله‌ی آن جنبه‌ها اختیار او و انتخاب چیزهایی بود که او می‌خواهد انتخاب کند. پس خداوند خود او را به خودش داد و لذا اگر خوب انتخاب کند، خودش انتخاب کرده و به نتیجه‌ی انتخابش می‌رسد و اگر خداوند صدام را به خودش داد با همه‌ی اقتضائات صدامی‌اش، خودش صدام‌بودن را انتخاب کرده و لذا خودش را باید ملامت کند نه این‌که بگوید چرا خداوند مرا خلق کرد تا صدام شوم، بلکه خداوند می‌فرماید من خودت را به خودت دادم و باید خودت را ملامت کنی زیرا که او «سمیعُ خبیر» است. کمی مفصل‌تر از آن را در یک نوار صحبت کرده‌ام از عزیزان گروه فرهنگی المیزان بخواهید تا در اختیارتان قرار دهند. موفق باشید